

نکاتی درباره آثار قرآنی منسوب به ابن عباس

• محمد کاظم رحمتی

اشاره:

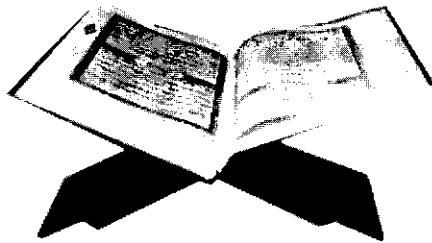
عبدالله بن عباس، صحابی مشهور، یکی از بحث‌انگیزترین شخصیت‌های قرن اول هجری است که درباره وثاقت آثار قرآنی و روایات تفسیری منسوب به او مناقشات جدی در میان محققان وجود دارد. در حالی که خاورشناسان از ماهیت اسطوره‌ای ابن عباس و آرای تفسیری منسوب به او سخن گفته‌اند، اغلب پژوهشگران مسلمان، از مسئله وثاقت آرای ابن عباس کمتر سخن گفته و بیشتر بر مقام والای ابن عباس در دانش تفسیر تاکید کرده‌اند.^۱ در میان آثاری که به ابن عباس نسبت داده شده، دو کتاب اللغات فی القرآن و غریب القرآن به عنوان کهن‌ترین متون این حوزه، مورد اشاره اغلب محققان بوده است.^۲ عدم چاپ انتقادی آثار منسوب به ابن عباس این حقیقت را پنهان کرده که این دو متن جداگانه در حقیقت یک‌متن با دو نام متفاوت است. شگفت‌تر آنکه، مؤلف این کتاب (غریب القرآن = اللغات فی القرآن) عالم اصفهانی، ابوطاهر احمد بن محمد سلفی (متوفی ۵۷۶ ق.)، است. بحث از این مطالب و برخی نکات درباره آرای تفسیری نقل شده از ابن عباس، موضوع این نوشته کوتاه است.

(متوفی ۶۹۴ ق.) و در حاشیه تفسیر الجلالین (قاهره، ۱۳۴۲ ق) نیز به چاپ رسیده، از نگاه منجد به دور مانده است.^۳ اختلاف میان متن چاپی منجد و آنچه که در حاشیه این دو کتاب آمده، تنها اختلاف در طریق روایت است. در حاشیه این دو کتاب، این اثر به ابوالقاسم بن سلام نسبت داده شده است. بروکلان در تاریخ الادب العربی، از کتابی - که هنوز به چاپ نرسیده - به نام شرح بعض العبارات الغریبة فی القرآن،^۴ نوشته ابوطاهر احمد بن محمد سلفی (۴۷۴-۵۷۶ ق / ۱۰۸۳-۱۱۸۰ م) عالم اصفهانی که بعدها در اسکندریه اقامت گزید و در همانجا درگذشت، یاد کرده است.^۵ مقایسه نسخه‌ای از این کتاب با متن چاپ شده در حاشیه التفسیر والجلالین و متن منجد، حاکی از یکی بودن این آثار است.

محمد خیر بقاعی، دو نسخه دیگر از شرح بعض العبارات الغریبة فی القرآن را بررسی کرده است: نسخه کتابخانه چستربیتی (ایرلند) به شماره ۴۲۶۳ در ۹ برگ با انتساب به محمد بن علی بن مظفر وزان به کتابت محمد بن عبدالرحمان صفدی در ۸۸۵ ق / ۱۴۷۱ م؛^۶ و نسخه کتابخانه دانشگاه

محققان علوم قرآنی، غالباً آثار عبدالله بن عباس را نمونه‌هایی از کهن‌ترین آثار علوم قرآنی در حوزه غریب القرآن دانسته‌اند. برای مثال مهدوی‌راد در سیر نگارش‌های علوم قرآنی (تهران، ۱۳۷۹ ش) درباره آثار قرآنی ابن عباس به نقل از تاریخ التراث العربی فؤاد سزگین از دو کتاب غریب القرآن و اللغات فی القرآن سخن گفته (ص ۱۵-۱۷) و به چاپ این متون (غریب القرآن، ص ۱۳؛ اللغات فی القرآن، ص ۱۵-۱۷) اشاره کرده است.^۷

داستان چاپ این دو کتاب و علت انتساب آنها به ابن عباس به اختصار چنین است: در ۱۳۶۵ ق / ۱۹۴۶ م، دکتر صلاح‌الدین منجد کتابی با عنوان اللغات فی القرآن با این سلسله سند: «أخبر به اسماعیل ابن عمرو المقرئ عن عبدالله بن الحسن بن حسون المقرئ بإسناده الی ابن عباس» منتشر کرد (این کتاب را دارالکتاب الجدید، بیروت ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م نیز تجدید چاپ کرده است). این نکته که این کتاب در ۱۳۱۰ ق در حاشیه التفسیر الکافل بحل المشکل من ألفاظ القرآن الکریم تألیف عبدالعزیز بن احمد دیرینی



پرنستون، مجموعه یهودا - گاریت، به شماره ۳۱۶۷ که آن نیز به محمد بن علی بن مظفر معروف به وزان حنفی نسبت داده شده است.^۸ شرح حالی از وزان در منابع نیامده و تنها سرگین از حیات وی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم سخن گفته است. سرگین همچنین متذکر شده است که نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه اسعد افندی در ترکیه به شماره ۳/۹۱ (برگ‌های ۱۰۴-۱۱۳ ب) موجود است. البته سرگین از چاپ این نسخه توسط آقای Cerrahoglu در مجله دانشگاه الیهیات آنقره خبری نداشته است.^۹ سرگین از کتابی به نام غریب القرآن با انتساب به ابن عباس به تہذیب عطاء بن ابی رباح (متوفی ۱۱۴ ق/ ۷۳۲ م) یاد کرده و گفته که نسخه‌ای از آن در کتابخانه عاطف افندی به شماره ۸/۲۸۱۵ (برگ‌های ۱۰۲ الف-۱۰۷ الف) موجود است و در جایی دیگر از کتاب خود این متن را با انتساب به ابوجعفر مغری یاد کرده است.

در نسخه برلین کتاب شرح بعض العبارات، سلسله سند کتاب چنین آمده است: «(۱۲۵ ب) بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على سيدنا محمد و آله و صحبه، أخبرنا الشيخ الفقيه الامام أبو طاهر أحمد بن محمد بن أحمد بن محمد السلفي الاصفهاني رضي الله عنه قراءة و أنا أسمع في منزله بئر الاسكندرية - حماه الله تعالى - مرتين إحداهما في شهر رمضان، و الأخرى في شهر شوال سنة أربع و سبعين و خمسمائة.

أخبرنا الشيخ أبو بكر يحيى بن إبراهيم بن شبل المالكي بالاسكندرية في صفر سنة اثنتي عشرة و خمسمائة حدثنا أبو العباس أحمد بن إبراهيم الخطاب، أخبرنا أبو محمد إسماعيل بن عمرو بن إسماعيل المقرئ بمصر حدثنا أبو أحمد عبد الله بن الحسين بن حسن المقرئ أخبرنا أبو العباس أحمد بن عبيد حدثنا [الحسين] ابن محمد حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد بن أبان القرشي حدثنا أبو جعفر محمد بن أيوب المقرئ عن عبد الملك بن جريج عن عطاء عن ابن عباس...».

تعلی و تفاسیر روایت شده از ابن عباس

ابواسحاق احمد بن محمد بن ابراهيم ثعلبی (متوفی ۴۲۷) در آغاز تفسیر مهم خود، الکشف والبيان، سلسله سند خود در روایت تفاسیر کهن تر تدوین شده توسط صحابه تا نسل قبل از خود را آورده است. وی در بخشی از این مقدمه به طرق روایت خود به تفسیر ابن عباس اشاره کرده است. متن این مقدمه در متن چاپی مغلوپ است و در اینجا آن را براساس تصحیح آیزیا گولدفلد همراه با چند اصلاح می آوریم:

«التفسيرات المنصوصات عن ابن عباس رضي الله عنه و هو البحر في الثقات والامام و قدوة في علم الكتاب و هو ترجمان القرآن و حبر هذه الامة

و ربانيهم، دعا له رسول الله صلعم فقال: اللهم علمه التاويل و فقهه في الدين، فأجاب الله تعالى فيه دعاؤه عليه السلام حتى صار علماً في العلم رضي الله عنه و أرضاه.

تفسير الوالبي. أخبرنا أبو محمد عبد الله بن الطيب و أبو محمد عبد الله بن حامد و أبو القاسم الحسن بن محمد رحمهم الله قالوا: حدثنا أبو الحسن أحمد بن محمد بن عبدوس الطرائفي حدثنا عثمان بن سعيد الدارمي حدثنا عبد الله بن صالح أن معاوية بن صالح حدثهم عن علي بن أبي طلحة الوالبي عن ابن عباس.

تفسير العوفي. أخبرنا الامام أبو القاسم الحسن بن محمد بن الحسن بن حبيب بقراءته على قال حدثنا عبد الله بن محمد الثقفي قال حدثنا أبو جعفر محمد بن نصر المازني قال حدثنا محمد بن سعد بن محمد بن الحسن بن عطية بن سعد العوفي قال حدثني عمي الحسين بن الحسن بن عطية قال

القرآن الى قوله - ألم تر الى الذين نهوا عن النجوى - و منها الى آخر القرآن أخبرنا عبد الله بن حامد قال حدثنا أبو عبد الله محمد بن عاصم البلخي قال حدثنا القاسم بن عباد قال حدثنا صالح بن محمد الترمذی عن محمد بن مروان عن الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس و أخبرنا علي بن محمد بن سعيد الخطيب كتابة قال حدثنا الامام أبو بكر محمد بن الحسين السرخسي سنة احدى و ثلاثين و ثلاثمائة قال حدثنا أبو بكر محمد بن علي المفسر المروزي قال حدثنا صالح بن محمد الترمذی و قد زاد فيه صالح اربعة آلاف حديث»^۱

عالمان امامی و تفسیر ابن عباس

در میان تفاسیر کهن روایی امامیه، در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم (زنده در ۳۰۷ ق) روایاتی تفسیری از ابن عباس با این سلسله سند آمده است: «حدثنا سعيد بن محمد قال حدثنا بكر بن سهل عن عبد الغني بن سعيد عن موسى بن عبد الرحمن عن ابن جريح عن عطاء عن ابن عباس (ج ۲ ص ۲۴۵، ۲۹۲، ۲۹۴، ۴۰۶، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۳، ۴۳۲، ۴۵۰). در اینجا دو پرسش مطرح است. نخست آنکه هویت افراد مذکور در این سلسله سند چیست؟ دوم آنکه کدام یک از این افراد، مؤلف متن تفسیرند؟ پاسخ به این دو سؤال همچنین در شناخت مؤلف تفسیر علی بن ابراهیم یا زمان حیات تدوینگر آن راهگشا خواهد بود. در کتاب التدوین فی اخبار قزوین، تألیف عبد الکریم بن محمد رافعی (متوفی ۶۲۳ ق)، اطلاعات جالب توجهی آمده که در شناخت سلسله سند مذکور یاری بخش ماست. رافعی (ج ۲، ص ۴۵۵-۴۵۶) از عالم همدانی به نام ابو عمرو سعید بن محمد همدانی سخن گفته که در قزوین از عبد الله بن محمد بن مسلم از حمید بن زنجویه نقل حدیث کرده است. همدانی همچنین از تفسیر بکر بن سهل دمیاطی روایت کرده است (و روی عن بکر بن سهل الدمیاطی تفسیره). این گفته رافعی علاوه بر آنکه هویت دو فرد نخست سلسله سند منقول در تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم را مشخص می سازد، مؤلف متن را نیز معرفی می کند. رافعی در موارد دیگری نیز از روایت تفسیر دمیاطی سخن گفته و گاه مطلبی نیز از آن نقل کرده است (ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ ج ۲، ص ۵۲، ۱۰۴، ۲۸۶، ۴۵۵؛ ج ۳، ص ۲۱، ۱۸۵-۱۸۶، ۴۲۹). بر این اساس یکی از منابع تدوینگر تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، تفسیر بکر بن سهل دمیاطی بوده است.^۲

پی نوشت ها:

۱ - مهم ترین نوشته های خاورشناسان درباره آرای تفسیری ابن عباس و تألیفات منسوب به او، مقالات زیر است:

حدثني أبي عن جدي عطية عن ابن عباس [و] أخبرنا محمد بن نعيم يعني الحاكم إجازة قال أخبرنا أبو بكر أحمد بن كامل ببغداد قال حدثنا محمد بن سعد العوفي قال حدثنا عمي قال حدثني أبي عن جدي عطية عن ابن عباس. تفسير الدمیاطی باسناده. أخبرنا أبو حامد بن الوليد بن أحمد الصوفي بقرائي عليه في داره سنة ثمانين و اربعمائة قال أخبرنا أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيوب الطبراني بها قال حدثنا أبو محمد بكر بن سهل الدمیاطی قال حدثنا عبد الغني بن سعيد الثقفي عن أبي محمد موسى بن عبد الرحمن الصنعاني عن عبد الملك بن جريح عن عطاء بن أبي رباح عن ابن عباس و عن موسى بن عبد الرحمن عن مقاتل بن سليمان عن الضحاک عن ابن عباس. تفسير عكرمة. حدثنا أبو القاسم الحسن بن محمد بن الحسن النيسابوري لفظاً قال حدثنا أحمد بن محمد بن إبراهيم الصريمي [كذا] المروزي قال حدثنا أبو العباس أحمد بن أحمد بن الخضر الصيرافي قال حدثنا أبو داود سليمان بن معبد السبكي قال حدثنا علي بن الحسين بن واقد عن يزيد النحوي عن عكرمة عن ابن عباس.

تفسیر الكلبي. طريق محمد بن فضيل. أخبرنا أبو القاسم الحسن بن محمد بن جعفر قال حدثنا أبو العباس محمد بن إسحاق بن أيوب حدثنا الحسن بن علي بن زياد السري قال حدثنا عبيد بن يعش عن محمد بن الفضل عن محمد بن السائب الكلبي عن أبي صالح باذان مولى أم هانئ عن ابن عباس و حدثنا أبو القاسم الحلبي قال حدثنا أبو محمد عبد الله بن محمد بن يعقوب البوشنجي قال حدثنا أبو جعفر محمد بن معاذ الهروي قال حدثنا علي بن خشرم بن عيسى عن محمد بن الفضل عن الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس رضى الله عنهم. [تفسير الكلبي] طريق يوسف بن بلال. أخبرنا أبو محمد شببة بن محمد بن أحمد الشيباني المقرئ بقرائه عليه قال أخبرنا أبو الحسن علي بن محمد بن فروذ البوراق سنة إحدى و عشرين و ثلاثمائة قال حدثنا أبو نصر أحمد بن محمد بن نصر اللباد و أخبرنا أبو محمد عبد الله بن حامد بن محمد قال أخبرنا أبو بكر عبد الله بن محمد بن الحسين بن محمد المعلم قال حدثنا أحمد بن محمد بن نصر اللباد و حدثنا أبو القاسم الحسن بن محمد بن جعفر قال حدثنا أبو علي الحسين بن محمد بن هارون قال حدثنا أحمد بن محمد بن نصر اللباد قال حدثنا يوسف بن بلال السعدي قال حدثنا محمد بن مروان السعدي [الصغير] عن محمد بن السائب الكلبي عن أبي صالح عن ابن عباس. [تفسير الكلبي] طريق حبان. حدثنا أبو القاسم الحسن بن محمد بن حبيب المفسر لفظاً قال حدثنا أبو سعيد نافع بن محمد بن نافع بمرو رود. قال: حدثنا محمد بن عمران [الراشدي] [كذا] حدثنا محمد بن المغيرة عن عمار بن عبد المجيد عن حبان بن علي العنزي عن الكلبي عن أبي صالح بن ابن عباس. تفسير الصالحی. أخبرنا الشيخ أبو محمد عبد الله بن حامد بن محمد الاصبهاني بقرائي عليه قال حدثنا أحمد بن محمد بن شاذان البلخي قال حدثنا حيعويه [كذا] بن محمد قال حدثنا صالح بن محمد الترمذی من اول



والمواعظ، تحقیق رمضان عبدالنواب (قاهره، ۱۴۰۶ / ۱۹۸۶ م).
۵ - تاریخ الادب العربی، متن آلمانی: ج ۱، ص ۴۵۰، چاپ دوم، ج ۱، ص ۳۶۵؛ و تکمله ج ۱، ص ۶۲۴؛ ترجمه عربی: ج ۶، ص ۲۴۸-۲۵۰. نسخه خطی این کتاب در برلین، به شماره ۶۹۸ است. محمد بن عراق (متوفی ۹۳۳ ق) این کتاب را به طور کامل نقل کرده و از آن به جوهر العواص و تحفة أهل الاختصاص یاد کرده است.

۶ - برای شرح حال وی بنگرید به: مقدمه محمد خیرالبقاعی بر کتاب الوجیز فی ذکر المجاز والمجیز سلفی (دارالغرب الاسلامی، بیروت، ۱۴۱۱ / ۱۹۹۱، ص ۴۴-۴۵).

7 - A. J. Arberry, *The Chester Beatty Library: A Handlist of the Arabic manuscripts*, Dublin, 1962, Vol. 5, p. 82.

8 - Rudolf Mach, *Catalogue of Arabic manuscripts (Yahuda section) in the Carrett Collection, Princeton University Library*, Princeton 1977, p. 15.

۹ - مجله کلیه الالهیات بأنقره، العدد ۲۲، ۱۹۷۸، ص ۱۷-۱۰۴.
۱۰ - متن کامل این تفسیر را در ده جلد ابی محمد بن عاشور (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲) به چاپ رسانده است. مقایسه اجمالی میان متنی که در اینجا ذکر شده با بخش متن چاپی، به خوبی نشان می‌دهد که تصحیح کتاب تنها بر اساس یک نسخه بوده و آن نیز به صورت دقیق نبوده و متن چاپ شده، مشحون از خطا و نادرستی است. لازم به ذکر است که مقدمه تفسیر الکشف والبیان با این مشخصات به چاپ رسیده است ولی نگارنده به آن دسترسی نداشته است:

1. Goldfeld, *Quranic Commentary in the Eastern Islamic Tradition of the First Four Centuries of the Hijra*, Acre, 1984

متن عربی حاضر را از مقاله زیر برگرفته‌ام:

1. Goldfeld, "The Tafsir of Abdallah b. Abbas", *DerIslam*, 58(1981), pp. 130-134.

۱۱ - نام بکر بن سهل دمیاطی در ج ۲، ص ۲۹۲ تفسیر قمی به بکر بن سهیل تصحیف شده است. مؤلف محترم مدخل «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» درباره روایات نقل شده از ابن عباس در تفسیر قمی نوشته‌اند: «تفسیر گمنام عبدالغنی بن سعید ثقفی که به تفسیر ابن عباس منتهی می‌شود» (دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۰۲). با توضیحاتی که در متن داده شده، عبدالغنی بن موسی تنها یکی از مشایخ بکر بن سهل دمیاطی است. تفسیر دمیاطی را حاکم حسکانی نیز در شواهد التنزیل (ج ۲، ص ۴۰۵) استفاده کرده است. ابن شهر آشوب نیز در المناقب (ج ۱، ص ۱۱) از تفسیر دمیاطی به عنوان یکی از متون مورد استفاده خود سخن گفته است.

Claude Gilliot, "Portrait mythique d'Ibn Abbas", *Arabica*, 32(1985), pp. 127-184; Isaiiah Goldfeld, "The Tafsir of Abdallah b. Abbas", *Der Islam*, 58(1981), pp. 125-135; Heribert Horst, "Zur Überlieferung in Koran Kommentar at-Tabaris", *Zeitschrift der Deutschen Morgenlandischen Gesellschaft* 103(1953), pp. 290-307.

خلاصه‌ای از آرای هورست را در کتاب زیر می‌توان یافت:
Herbert Berg, *The Development of Exegesis in Early Islam*,

Richmond, 2000, pp. 66-69.

از آثار بسیار مهم به زبان عربی درباره ابن عباس به کتاب عبدالله بن محمد سلقینی، حبر الامة: عبدالله بن عباس و مدرسة فی التفسیر (بیروت، ۱۴۰۷ / ۱۹۸۶) باید اشاره کرد که تقریباً تمام بحث‌هایی را که در دیگر آثار قرآنی درباره ابن عباس آمده در برمی‌گیرد.

۲ - جالب توجه است که ابن ندیم در فهرست آثار غریب‌القرآن، اشاره‌ای به تألیفی از ابن عباس در این حوزه نکرده است. ر. ک: الفهرست، ص ۳۷.
۳ - درباره آثار دیگر قرآنی ابن عباس ر. ک: مدخل «تفسیر ابن عباس» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۶۷۳-۶۷۷، به قلم نگارنده.

۴ - این بخش نوشتار مبتنی بر نوشته زیر است: محمد خیرالبقاعی، مجله مجمع اللغة العربیة الأردنی، سال ۱۸، عدد ۴۶ (جمادی الاولى - شوال) ۱۴۱۴ هـ / ۱۹۹۴ م، ص ۱۳۳-۱۴۶. در آغاز متن چاپ شده در التیسیر، کتاب اللغات فی القرآن چنین معرفی شده است: «هذه رسالة جلیلة لبعض الافاضل، تتضمن ماورد فی القرآن من لغات القبائل و أظنها للامام أبی القاسم بن سلام، حسبما نقل عنه صاحب الاتقان». در حاشیه تفسیر جلالین نیز متن چنین معرفی شده است: «رسالة فیما ورد فی القرآن من لغات القبائل، لأبی القاسم بن سلام». دکتر رمضان عبدالنواب در مقدمه خود بر بخش اول کتاب الغریب المصنف، ص ۵۹ درباره علت این نسبت نادرست چنین نوشته است: «مراد از الاتقان، کتاب الاتقان فی علوم القرآن تألیف حافظ سیوطی است در چاپی از این کتاب که در ۱۲۷۹، با تصحیح شیخ نصر هورینی به چاپ رسیده است. در جلد اول در ذکر منابع سیوطی، هورینی عبارت زیر را «اللغات التي نزل بها القرآن لأبی القاسم محمد بن عبدالله» را به گمان نادرست بودن به قاسم بن سلام تصحیح کرده است. محمد ابوالفضل ابراهیم نیز که این کتاب را در ۱۹۷۶ منتشر کرده، در هامش (ج ۱، ص ۱۹) نوشته است: «فی الاصول لأبی القاسم محمد بن عبدالله و هو خطأ نبه عليه مصحح (يقصد طبعة الشيخ نصر الهوريني)». سرکیس نیز در معجم المطبوعات (ج ۱، ص ۱۲۱) از ابو عبید قاسم بن سلام به عنوان مؤلف احتمالی این کتاب یاد کرده است. بروکلمان (ج ۲، ص ۱۵۹) از غریب‌القرآن به عنوان یکی از آثار مفقود ابو عبید یاد کرده است. بنگرید به مقدمه کتاب الخطب